

## صلاح‌الدین ایوبی در تاریخ خیال مسیحی - لاتینی قرون وسطی<sup>۱</sup>

زهیر صیامیان گرجی<sup>۲</sup>

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ایمان فخری جوشانی<sup>۳</sup>

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

### چکیده

صلاح‌الدین ایوبی یگانه سلطان مسلمانی است که در «تخیل قرون وسطایی اروپایی» بازپردازی و در تاریخ خیال جهان مسیحی - لاتینی آن دوران بازابداع شد. به نظر می‌رسد آنچه از وی در ادبیات حاوی خاطره جمعی اروپایی‌ها پس از قرن ۱۳ میلادی تا آغاز عصر روشنگری، «بازنمایی» می‌شود، نه در قلمروی واقعیت بلکه در قلمروی «خیال و تخیل» است. این مقاله با معناکاوی تاریخی روایت‌های موجود در متون ادبی و وقایع‌نگارانه قرون وسطی اروپا، روند تحول بازنمایی تصویر صلاح‌الدین در خیال اروپایی در دوران قرون وسطی و تبیین مبانی دگرگونی معنایی آن در تاریخ تخیل اروپایی را مساله مقاله در نظر گرفته است. مبنای نظری نوشتار پیش‌رو ایده «خیال در تاریخ» پل ریکور و «تاریخ تخیل قرون وسطایی» ژاک لوگوف است. با وام گرفتن این مفاهیم، بازابداع ابژه صلاح‌الدین با در نظر گرفتن زمینه و زمانه متون ادبی و وقایع‌نگارانه قرون وسطی اروپایی نشان داده شد و این نتیجه حاصل شد که در تاریخ خیال جهان مسیحی - لاتینی قرون وسطی، صلاح‌الدین از «دیگری» (ساراسن ضد مسیح) به یکی از «ما» (شوالیه مسیحی) تبدیل شده است.

**کلیدواژه‌ها:** صلاح‌الدین ایوبی، خاطره جمعی، تاریخ خیال، تاریخ‌نگاری و ادبیات مسیحی، قرون وسطی، جنگ‌های صلیبی.

۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): z\_siamian@sbu.ac.ir و zohairsiamian@yahoo.com

۳. رایانامه: imanfakhrijoshani@gmail.com

## مقدمه

«جنگ‌های صلیبی»، به مثابه یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی در روابط شرق اسلامی و غرب مسیحی، از اهمیت ویژه‌ای در بازنمایی تاریخی و فرهنگی برخوردار است. در این رویداد تاریخی، با وجود دلالت‌های معنایی خاص، شخصیت‌های درگیر در آن به گونه‌ای متمایز در حافظه تاریخی و جمعی دو تمدن بازتولید شده است. در حافظه تاریخی و جمعی مسلمانان، جنگ‌های صلیبی - علی‌رغم گستردگی و تداوم آن - چندان برجسته جلوه نمی‌کرد و همین مسئله بر نگرش و نگارش آنها درباره این موضوع تأثیرگذار بود. این در حالی است که در جهان مسیحیت، همین رویداد نقطه عطفی تعیین‌کننده در تاریخ اروپای قرون وسطی محسوب می‌شد. از میان شخصیت‌های کلیدی این دوره، صلاح‌الدین ایوبی جایگاهی ویژه به عنوان یکی از بازیگران اصلی و تأثیرگذار این صحنه تاریخی دارد.

در منابع اسلامی به خصوص برای اهل سنت، سلطان ایوبی عمدتاً به عنوان ادامه‌دهنده راه جهادی نورالدین زنگی و فاتح اورشلیم و همچنین به خاطر برانداختن خلافت فاطمیان در مصر شناخته می‌شود، حال آنکه در جهان مسیحیت لاتینی، تصویر «سلطان کافر ساراسن‌ها» متأثر از «نظام تخیل مسیحی قرون وسطی» و با بازویرایش روایت‌های منابع متقدم‌تر مسیحی در منابع متاخرتر مسیحی، دستخوش تحولات معنایی قابل توجهی گردید و نگاه و روایت‌هایی بدیع و جدیدی از وی در آثار منظوم و منثور مسیحی جهان قرون وسطایی پدید آمد.

این مقاله بر آن است علاوه بر بررسی تصاویر سلطان ایوبی در آثار مسیحی - لاتینی قرون وسطی، روند تحول تصویر صلاح‌الدین ایوبی در متون مسیحی - لاتینی قرون وسطی را با تمرکز بر مفاهیم «تاریخ خیال» مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. پرسش اصلی پژوهش آن است که چگونه شخصیت صلاح‌الدین از «دشمن اهریمنی» (دیگری؛ Other) به «شوالیه‌ای نجیب» (ما؛ Us) در خیال قرون وسطایی اروپایی بدل شد. در این مطالعه، با تکیه بر رویکردهای نظری پل ریکور درباره «تخیل تاریخی» و ژاک لوگوف در حوزه «تاریخ خیال»

و با بهره‌گیری از «روش‌شناسی تلفیقی» کنراد هیرشلر (نقد ادبی و نقد تاریخی)، منابع وقایع‌نگارانه و ادبی لاتینی مقارن با دوره‌زندگانی صلاح‌الدین و پس از آن دوران، مورد تحلیل تاریخی-ادبی قرار گرفتند. آنچه این مطالعه را واجد اهمیت می‌سازد، بررسی روایت‌هایی است که پیش از عصر روشنگری، در قلمرو تخیل اروپایی قرون وسطی درباره‌صلاح‌الدین شکل گرفته‌اند. این روایت‌ها، اگرچه از منظر تاریخ‌نگاری مدرن «اسطوره‌ای» تلقی می‌شوند، اما به‌مثابه بخشی از واقعیت تخیلی آن دوران، درک عمیق‌تری از مناسبات فرهنگی و تاریخی میان تمدن‌های اسلامی و مسیحی فراهم می‌آورند.

در باب سوانح احوال و زندگانی صلاح‌الدین ایوبی در ادبیات غربی و اسلامی آثار واقع‌گرایانه بی‌شماری به رشته تحریر درآمدند. چراکه نام و شخصیت صلاح‌الدین با پدیده جنگ‌های صلیبی به عنوان رخدادی مهم در تاریخ قرون میانی جهان پیشامدرن در هم تنیده شده است. «صلاح‌الدین و سقوط پادشاهی اورشلیم» نوشته استنلی لین - پول (۱۸۹۸)، «صلاح‌الدین ایوبی» نوشته سعید عاشور (۱۹۶۵)، همیلتون گیپ در «زندگانی صلاح‌الدین» (۱۹۷۳)، «صلاح‌الدین» نوشته آندرو اس. ارنکوتز (۱۹۷۲)، «صلاح‌الدین؛ قهرمان اسلام» جفری هیندلی (۱۹۷۶)، «صلاح‌الدین» اثر جکسون و لیونز (۱۹۸۴)، «صلاح‌الدین در مصر» از یاکوف لو (۱۹۹۹)، «صلاح‌الدین» جان دانپورت (۲۰۰۳)، «صلاح‌الدین» از جان مان (۲۰۱۶)، «صلاح‌الدین و احیای مذهب اهل سنت» (۲۰۱۴) و «صلاح‌الدین» (۲۰۱۰) اثر عبدالرحمن عزام، آن ماری اد در «صلاح‌الدین» (۲۰۱۱)، «صلاح‌الدین؛ شاهزاده نجیب جهان اسلام» نوشته دین استنلی (۲۰۰۲)، «صلاح‌الدین، موحدون و بنی‌غانیه» از عمر باج (۲۰۱۵)، دیوید نیکول در «صلاح‌الدین و ساراسن‌ها» (۱۹۸۶) و «صلاح‌الدین» (۲۰۱۱)، «صلاح‌الدین» طارق علی (۲۰۱۵)، شهناز حسین در «قهرمانان مسلمان جنگ‌های صلیبی؛ صلاح‌الدین و نورالدین» (۱۹۹۸) و «زندگانی و اسطوره صلاح‌الدین» اثر جان‌اتان فیلیپس<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) از جمله نویسندگان و پژوهشگرانی بودند که

آثاری تاریخ نگارانه ای را به زندگانی سلطان ایوبی اختصاص دادند اما رویکرد «تاریخ خیال» را برای تبیین تصویر صلاح‌الدین مبنای اصلی کار خود قرار نداده‌اند و از همان چشم انداز تمایز واقعیت و اسطوره و افسانه به ادبیات لاتینی و تاریخ نگاری مسیحی قرون وسطی پرداخته‌اند تا واقعیت تاریخ جنگ های صلیبی را با محوریت عملکرد صلاح‌الدین بازسازی کنند. از میان افراد مزبور، افرادی همچون جان مان در «صلاح‌الدین، اسطوره و امپراتوری اسلام»<sup>۵</sup> و جانانان فیلیپس در «زندگانی و اسطوره سلطان صلاح‌الدین»<sup>۶</sup> و همچنین مارگارت جوب در «اسطوره صلاح‌الدین در ادبیات و تاریخ نگاری غربی» ضمن پرداختن به زندگانی سلطان، تصویر وی در منابع غربی را واری کرده‌اند اما از مفاهیم نظری و روش شناسی تاریخ خیال به شیوه مقاله حاضر استفاده نکرده‌اند. افزون بر کتب، می‌توان به مقالاتی همچون مقاله کارول هیلنبرند<sup>۷</sup>، مقاله جان تولان<sup>۸</sup>، مقاله ساموئل انگلند<sup>۹</sup>، و حتی مقاله تازه منتشر شده جانانان فیلیپس<sup>۱۰</sup> نام برد که به واکاوی روایت‌های اروپایی از صلاح‌الدین و ابعاد واقعی و غیرواقعی این روایت‌ها در تاریخ نگاری غرب پرداخته‌اند اما بر مبنای «تاریخ خیال و تخیل» به این روایت‌ها متمرکز نشده‌اند. هرچند یافته‌های همه این مقالات و کتاب‌ها در مقاله حاضر مدنظر قرار گرفته است اما با توجه به استفاده از منابع لاتینی و نیز رویکرد نظری

---

H. A. R. Gibb, Stanley Lane - Poole, Yaacov Lev, John Davenport, John Man, Andrew S. Ehrenkreutz, Anne - Marie Edde, Geoffrey Hindley, Diane Stanley, Amar S. Baadj, Jackson & Lyons, David Nicolle, and Jonathan Philips.

5. Man, J. (2015). *Saladin: The Life, the Legend and the Islamic Empire*. United Kingdom: Bantam Press.

6. Phillips, J. P. (2019). *The Life and Legend of the Sultan Saladin*. United Kingdom: Yale University Press.

7. Hillenbrand, C. (2022). The Evolution of the Saladin Legend in the West. In *Islam and the Crusades: Collected Essays* (pp. 149–164). Edinburgh University Press;

این مقاله تحت عنوان «سیر تحول افسانه صلاح‌الدین ایوبی در غرب» ترجمه شده است.

8. Tolan, J. V. (1996). Mirror of chivalry: Salah al-Din in the medieval European imagination. *American University in Cairo Press*. 7-38.

9. England, S. (2018). An Ayyubid Renaissance: Saladin, from Knighthood to Nahḍa. *Alif: Journal of Comparative Poetics*, 38, 37–61.

10. Phillips, J. (2024). The changing reputation of Saladin in the Latin West, c. 1170 to c. 1220. *Crusades*, 23(1), 83–108.

و تبیینی مقاله، به زبان فارسی مقاله حاضر واجد نوآوری است. از میان تحقیقات عربی نزدیک به رویکرد مقاله حاضر می‌توان از این آثار یاد کرد: کتاب «صلاح‌الدین ایوبی: قهرمان شرق و اسطوره غرب» از الحسینی الحسی معدی (۲۰۱۳)، مقاله «نمایشنامه تاریخی عربی و لشکرکشی صلاح‌الدین ایوبی به بیت‌المقدس» نوشته یحیی سلیم عیسی البشتاوی (۲۰۱۴)، مقاله «بازپس‌گیری بیت‌المقدس به رهبری صلاح‌الدین ایوبی: بین روایات تاریخی و اشعار منظوم» نوشته آمنه سلیمان البدوی (۲۰۱۳) از جمله آثار مرتبط به زبان عربی هستند. در کتاب‌ها و مقالات فارسی و ترجمه‌های صورت گرفته به این زبان محققانی مانند عبدالله ناصر طاهری (۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ ش.) و حتی ترجمه اثر امین معلوف (۱۳۹۷ ش.)، گرچه به زندگانی و حیات سیاسی و شخصی صلاح‌الدین پرداخته شده است اما این آثار یا به ادبیات لاتینی توجه نداشته‌اند و یا کلیت جنگ‌های صلیبی را بازسازی واقع‌نمایانه کرده‌اند، بنابراین به صورت مبنایی با مقاله حاضر متفاوتند. شاید تنها متن فارسی که به چگونگی شکل‌گیری «افسانه صلاح‌الدین» در ادبیات اروپایی پرداخته است، جستار نویسنده افغان مقیم آمریکا، حفیظ‌الله نادری (۱۴۰۱ ش.) دانست که البته تمرکز اصلی اش به تحول نگرش به صلاح‌الدین در دوران مدرن و جهان اسلامی معاصر است. هرچند جستار وی که مخاطب عمومی را در نظر داشته است، براساس همان الگوی مقاله هیلنبرند درباره اسطوره صلاح‌الدین است که به فارسی نیز ترجمه شده است.

در باب «تاریخ خیال و تخیل» در قرون وسطی که خود حوزه جدیدی در مطالعات تاریخ فرهنگی و تاریخ ذهنیت است، برجسته‌ترین اثری که به رشته تحریر درآمده، اثر ژاک لوگوف «تخیل قرون وسطی»<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۵) است که به تخیل و کارکرد و کاربست آن در اروپای قرون وسطی پرداخته است. افزون بر این اثر، وی در دیگر اثرش «قهرمانان و شگفتی‌های قرون وسطی»<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۵) نیز با تکیه بر دیدگاهی که در اثر نخست در باب نوزایی مجدد خیال

11. *L'Imaginaire médiéval*

12. *Héros et merveilles du Moyen Âge*;

این اثر در فارسی با عنوان «تاریخ خیال؛ قهرمانان و شگفتی‌ها در اروپای قرون وسطی» ترجمه شده است.

قرون وسطایی بیان کرده بود، به خلق قهرمانان و شگفتی‌ها در این دوره تاریخی پرداخته است. علاوه بر ژاک لوگوف، افزون بر تاریخ خیال و تخیل در قرون وسطی، آثار چندی دیگری به تصویر مسلمانان در خیال غربی پرداخته‌اند که می‌توان به «ساراسن؛ اسلام در خیال اروپاییان قرون وسطی»<sup>۱۳</sup> نوشته جان تولان، و «مسلمانان در خیال غربی»<sup>۱۴</sup> از سوفیا رز آرکانا و آثار متعدد دیگر اشاره کرد.

### حافظه، تخیل و بازنمایی

مفهوم «حافظه» به عنوان یک چارچوب نظری برای توصیف مجموعه‌ای از فرآیندها به کار می‌رود که از طریق آن افراد، گروه‌ها و جوامع قادرند آنچه را که به واسطه عوامل مختلفی مانند فاصله، تروما و گذر زمان محو شده است، دوباره در ذهن خود بازخوانی کنند و به یاد آورند. این فرآیندها به طور کلی شامل مکانیزم‌های پیچیده‌ای هستند که به ساخت و نظم‌دهی به تجربیات گذشته کمک می‌کنند. در میان این فرآیندها، می‌توان به «خودزیستی» اشاره کرد که در واقع بازتابی از هویت فردی و جمعی است، و این امکان را فراهم می‌آورد که افراد به تجربه‌های خود معنا ببخشند و آن‌ها را در قالبی ساختارمند به یاد آورند. همچنین، مکانیسم‌های نمونیک یا یادیار<sup>۱۵</sup>، شامل استراتژی‌هایی هستند که نه تنها بازفراخوانی مستقیم اطلاعات را امکان‌پذیر می‌سازند، بلکه به فرآیندهای بازسازی و بازآفرینی گذشته کمک می‌کنند. این فرآیندها اغلب بر اساس باورها و نگرش‌های اجتماعی فرد یا جامعه مرتب می‌شوند و مستقیماً تحت تأثیر بافت فرهنگی و تاریخی قرار دارند. (Geary, 2012: 230-247; Cassidy-Welch & Lester, 2017: 620-626)

در قرون وسطی مردمان عموماً درکی فیزیولوژیک از حافظه براساس «سنت آگوستینی»

13. Tolan, J. V. (2002). *Saracens: Islam in the medieval European imagination*. United Kingdom: Columbia University Press.

14. Arjana, S. R. (2015). *Muslims in the Western Imagination*. Kiribati: Oxford University Press.

15. Mnemonic Mechanism

داشتند. (Cassidy-Welch & Lester, 2014: 226) بنابراین حافظه تنها محل انباشتی از رویدادها نبود، بلکه مکانی بود که در آن خاطرات فردی و جمعی به نوعی تجلی از حضور خدا مبدل می‌شدند. افزون بر این چنین اعتقادی نیز وجود داشت که حافظه جمعی مسیحیان، «روایت نجات الهی» را در طول تاریخ بازتولید می‌کند. این رویکرد به حافظه، پیوند عمیقی میان تجربیات فردی و جمعی ایجاد می‌کند و آن را به ابزاری برای درک تاریخ نجات و هویت مذهبی تبدیل می‌کند. بدین جهت است که افرادی همچون ژاک لوگوف نشان می‌دهند که «حافظه جمعی» در این دوره عمدتاً شفاهی و مبتنی بر سنت‌های کلیسایی - که تاریخ‌نگاری‌ها و وقایع‌نگاری‌ها را نیز در برمی‌گرفت - بوده است لذا براساس این گزاره‌ها جوامع آن زمان هویت خود را از طریق روایت‌های مشترک، اسطوره‌ها و انگاره‌های خیالین و سنت‌های مکتوب و شفاهی بازتولید می‌کردند. (Le Goff, 1996; 68-80)

موريس هولباخ، جامعه‌شناس و فیلسوف، مفهوم «حافظه جمعی» را مطرح کرد. او معتقد بود که حافظه جمعی توسط زمینه‌های اجتماعی تداوم می‌یابد و آنچه که به یاد سپرده و به یاد آورده می‌شود، خدمت‌گزار نیازهای گروه‌های اجتماعی است. هولباخ نشان داد که حافظه پیوندهای مهمی میان مذهب، فرهنگ و جهان مقدس ایجاد می‌کند. (Cassidy-Welch & Lester, 2014: 226-227) هرچند از دیدگاه پاتریک گیری، حافظه جامعه قرون وسطی به واسطه آنچه بر آنها رفته یا شاهد آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بود، درگیر دو پرسش «چه چیزی را به فراموشی بسپاریم» و «چه چیزی دارای ارزش به یادآوردن نیست» شده بود؛ بنابراین از نظر گیری چنین برداشت می‌شود که حافظه جامعه در آن ایام مبتنی بر فراموشی بود. (Geary, 2012: 230-247) بر این مبنا، حافظه جمعی تصاویر زنده یا روایت‌شده از رویداد، اشخاص و اشیای مادی و معنوی را متناسب با زمینه تاریخی و معنای ذهنی جامعه حذف یا حفظ می‌کرد. حال ممکن بود در این فرایند، تصاویر موجود از واقعیت تاریخی فاصله گرفته و با کمک «خیال و تخیل»، منطبق با مسائل زندگی روزمره و مسائل هویتی بازتعریف شوند. (Le Goff, 1996; 68-80)

مداخله «خیال و تخیل» در روایت تاریخی، موضوعی نوآورانه و کمتر شناخته شده است. تخیل معمولاً با بهره‌گیری از مجازها و آرایه‌های ادبی به بازسازی رویدادهای غیرواقعی می‌پردازد. اگرچه تاریخ خود نیز از طریق زبان و نوشتار منتقل می‌شود، اما اغلب مورخان و متفکران تاریخی، ارزش چندانی برای نقش تخیل در بازنمایی رویدادها قائل نبوده و همواره بر ثبت عینی وقایع مبتنی بر اسناد معتبر تمرکز داشته‌اند. پل ریکور، فیلسوف هرمنوتیک، برخلاف رویکرد سنتی مورخان که تاریخ را صرفاً بر اساس اسناد عینی می‌نگریستند، اهمیت خاصی برای «تخیل زبانی» و نقش آن در روایت‌های تاریخی قائل می‌شد. ریکور معتقد بود که تمایز اصلی میان تاریخ و ادبیات در «دعوی ارجاعی»<sup>۱۶</sup> آنها نهفته است. (غیائی و مازیار، ۱۴۰۰؛ ۱۱۹-۱۲۰) در حالی که هر دو از روایت مشترکی برخوردارند، تاریخ با تکیه بر ارجاع منتهی به واقعیت به بازسازی واقعیت گذشته می‌پردازد که وی آن را «قصدمندی تاریخی»<sup>۱۷</sup> می‌خواند. افزون بر این، برخلاف مورخان پوزیتیویستی، ریکور بر سند به عنوان پشتوانه واقعی تکیه می‌کند و سند تاریخی را نوعی ابداع<sup>۱۸</sup> می‌داند. بدین جهت است مفهوم «رد و نشان»<sup>۱۹</sup> را به جای سند پیشنهاد می‌دهد، چراکه این مفهوم هم پویایی ارجاع به گذشته و هم خلاقیت مؤلف در بازسازی تاریخی را نشان می‌دهد. (غیائی و مازیار، ۱۴۰۰؛ ۱۱۹-۱۲۰؛ ریکور، ۱۳۷۴)

ریکور بر این باور است که به دلیل عدم شفافیت زبان، «تخیل» نقش مهمی در بازنمایی تاریخی دارد. او «بازنمایی»<sup>۲۰</sup> را - که همان رد و نشان تاریخی است - فرآیندی پیچیده می‌داند که هم در سطح معنا و هم در سطح ارجاع عمل می‌کند و هدف اصلی آن دستیابی به تصویری از گذشته است. بنابراین، نوشتار تاریخی نوعی بازنمایی است. این بازنمایی فرآیندی پیچیده و فعال است که واقعیت تاریخی را بازسازی می‌کند و آنچه که در این فرآیند

---

16. Referential Claim  
 17. Historical Intentionality  
 18. Invention  
 19. Trace  
 20. Representation



اهمیت دارد، بدست‌آمدن تصویری از گذشته است. مفهوم «نماینده‌گی» از دیگر مفاهیم کلیدی ریکور است که به معنای حفظ گذشته‌ای است که از میان رفته اما در ردپاهای تاریخی همچنان باقی مانده است. او تأکید دارد که تخیل نه تنها به بازسازی تاریخ کمک می‌کند، بلکه می‌تواند کارکردهای جدیدی نیز به آن ببخشد (غیائی و مازیار، ۱۴۰۰؛ ۱۲۰-۱۲۱؛ هال، ۱۳۹۳؛ ۴۷-۵۰).

افزون بر ریکور، ژاک لوگوف، مورخ مکتب آنال، نیز در آثار خویش به مبحث «تخیل در تاریخ قرون وسطی» پرداخته است که بنا به گفته او خود حوزه جدیدی از تاریخ است. از دیدگاه او، «حوزه تخیل» شمولی از تمام بازنمایی‌هایی است که فراتر از محدودیت‌های تجربی و منطقی موجود قرار دارد. هر فرهنگ و جامعه خیال منحصر به خود را دارد و مرز بین واقعیت و خیال متغیر است، اما محدوده این مرز همواره مبتنی بر تجربه انسانی است. از منظر لوگوف، خیال بخشی از حوزه «بازنمایی» است که فراتر از تصاویر ذهنی بوده و خلاق و شاعرانه است. خیال از قلمری بازنمایی بیرون می‌رود و فانتزی نیز آن را فراتر از این حوزه می‌برد. بدین ترتیب می‌تواند افسانه‌ها و اسطوره‌ها را تولید و پیروراند که خود نشان از رؤیاها و آمال یک جامعه در یک مقطع خاص تاریخی می‌دهد. افزون بر این او معتقد است که «تاریخ خیال»، تاریخ آفرینش تصاویری است که جامعه را به فکر و عمل وامی‌دارد و از ذهنیت و فرهنگ موجود نشأت می‌گیرد. به نقل از لوگوف طی قرن گذشته، مورخانی همچون ژان کلود اشمیت<sup>۲۱</sup> بر این باور بوده‌اند که تصاویر قرون وسطایی نه تنها شامل اشیای مجازی، بلکه تصاویر زبانی، ذهنی، رؤیاها و تخیلات نیز می‌شود؛ بنابراین مفهوم جدید تصویر از منظر تاریخ‌دانان کاملاً با مفاهیم واژه *Imago* در قرون وسطی مطابقت دارد. (لوگوف، ۱۳۹۹؛ ۱۱-۱۳؛ ۴۷-۲۸؛ Le Goff, 1992; 28-47)

همانطور که حفیظ‌الله نادری می‌گوید اروپای قرون وسطی دوره ساخت و پرداخت بسیاری از افسانه‌ها و اسطوره‌ها خیالین برپایه خاطره موجود است، جایی که تخیل می‌تواند

---

21. Jean Claude Schmitt

بر تصاویر پیشین اذهان جامعه سوار شود، باعث ظهور تصاویری جدید شده یا به بازتعریف معانی و تصاویر تثبیت شده منجر شود. شگفتی‌ها، پدیده‌ها و افراد بسیاری در قرون وسطی وارد این چرخه شده و تحول یافتند؛ افرادی تاریخی همچون شارلمان و ال‌سید و افرادی نیمه‌افسانه‌ای همچون آرتور شاه و رولان. گرچه صلاح‌الدین ایوبی در ادبیات و خیال قرون وسطی نتوانست جا پای اشخاص مزبور گذارد و حضور و تأثیرگذاری همچون آنها داشته باشد اما ذهن قرون وسطی به واسطه آن چیزی که از او دید یا در خاطره خویش داشت، او را در خیال خویش تغییر و تحول داد و به شکل خواستنی خود درآورد تا او را بازابداع و از نو تعریف کند.

### صلاح‌الدین در روایت‌های مسیحی-لاتینی قرون وسطی

الگوی روش‌شناسی مورد بررسی تصویر و روایت‌های تاریخی و ادبی در این نوشتار برای درک چگونگی بازنمایی صلاح‌الدین ایوبی و روند تحول آن نیازمند به بررسی بافت اجتماعی و فکری اثر و همچنین عوامل متنی همچون عناوین، بخش‌های پایانی و پیرنگ<sup>۲۲</sup> هر روایت خواهد بود تا با واریسی آنها بتوان به طرح‌واره‌های موجود که به تشریح شخصیت و روند تحول تصویر سلطان ایوبی در متون و روایت‌های غربی به عنوان یک کلان روایت پرداخت. (هیرشلمر، ۱۳۹۵؛ ۳-۶)

۱. صلاح‌الدین در روایت‌های مقارن جنگ‌های صلیبی: نماد آزمون مسیحانه در

#### مشیت الهی

نخستین روایتی که از صلاح‌الدین ایوبی که مقارن با زندگانی وی به رشته تحریر درآمده است، روایت ویلیام صوری در تاریخ جامع و برجسته وی با عنوان هیستوریا روم این پارتیبوس گستاروم<sup>۲۳</sup> است. این اثر که تنها منبع کامل و جامع در رابطه با قرن ۶ هـ. - ۱۲ م.

22. Plot

23. *Historia Rerum in Partibus Gestarum*

دولت‌های صلیبی به محوریت پادشاهی اورشلیم تا آخرین دهه قبل از فتح اورشلیم به دست صلاح‌الدین است که توسط یک مسیحی آن سو دریاها<sup>۲۴</sup> و در زمانه آشفته منازعات داخلی و قدرت‌گیری صلاح‌الدین ایوبی نوشته شده است. (Edbury & Rowe, 1991; 13-22)

ویلیام نخست صلاح‌الدین را پس از به قدرت رسیدن در مصر پس از مرگ عمویش را «مردی بسیار زیرک، شجاع، بسیار باشهامت و کریم» (William of Tyre, 1943; 356-359) یا «مردی که از سلاله مردمانی متواضع و فروتن اما دون پایه» توصیف می‌کند و او را بخاطر «شجاعتش در جنگ، فراست و ذکاوتش در امور نظامی و سیاسی، و سخاوت بیکرانیش» به کرات می‌ستاید؛ اما بی‌درنگ بخاطر «طمع صلاح‌الدین به قدرت و قتل خلیفه [فاطمی] مصر»، «اسراف و تبذیر ثروت مصر و خالی کردن خزانه‌اش» و همچنین «خیانت و ناسپاسی به ارباب زنگی خود» به باد انتقاد می‌گیرد و بر او خرده می‌گیرد: (William of Tyre, 1943; 359 & 404-405; Phillips, 2024; 83-108)

«... در آغاز حکومتش هنگامی که برای بیعت با خلیفه به دیدار او رفته بود، مولای خویش را چو بدستی بزرگی که در دست داشت، بر زمین انداخت و او را کشت و سپس همه پسران خلیفه را به قتل رساند تا تحت فرماندهی هیچ سلطه دیگری بالاتر از خود نباشد و بتواند هم به عنوان خلیفه و هم به عنوان سلطان حکومت کند. ...»

«... برخلاف بیعتی که با سرور و حاکم خویش انجام داده بود، صلاح‌الدین بر همه شهرهای آن سرزمین [سوریه] استیلا یافت... او در آن هنگام آشکارا با نوعی مبارزه طلبی علیه قوانین انسانی، از ارباب قانونی خود سرپیچی نمود و تمامی کمک‌های آن شاه جوان [زنگی] را نادیده گرفت. ...»

اما با قدرت‌گیری افسارگسیخته صلاح‌الدین در مصر و شامات، افزون بر تحسین برخی

24 Outremer (/ˈuːtɹəmeɪ/);

از نظر واژه‌شناسی، واژه فرانسوی اوتر-مر (آن سوی دریا)، مشتق از اوتر (outr)؛ آن سو (و مر mer)؛ دریا (است). از نظر تاریخی، به دولت‌های صلیبی تأسیس شده در اراضی مقدس و شام و مسیحیانی که پس از نخستین جنگ صلیبی در قلمروی این دولت‌ها مستقر شدند، اشاره دارد.

محاسن و انتقاد از برخی اعمال، به مرور «ترس» نیز وارد روایت ویلیام صوری می‌شود و جذبه ترس وی را وادار می‌سازد تا امید به اقدامی مشترک و محکم برای مقابله با سلطان ایوبی از سمت مسیحیان و صلیبیون داشته باشد (William of Tyre, 1943; 405-408) اما آغاز منازعات داخلی سبب می‌شود وی ناامیدانه از نجات قلمروی صلیبی در مقابل صلاح‌الدین از نگارش دست بکشد و عازم غرب شود. هرچند وی شکست احتمالی مسیحیان را در شرق نه بخاطر شخص صلاح‌الدین بلکه بخاطر «خطاها و گناهان خود مسیحیان و صلیبیون حاضر در اراضی مقدس» می‌داند. بنابراین در نگرش صفحات پایانی ویلیام صوری می‌توان به نوعی «طرحواره شکست»<sup>۲۵</sup> را در روایت وی مشاهده کرد. (Edbury & Rowe, 1991; 83-84)

شاید چنین به نظر برسد که روایت ویلیام صوری از صلاح‌الدین ایوبی، علی‌رغم ظاهر بی‌طرفانه، متأثر از وابستگی‌های وی به جبهه اشراف پادشاهی اورشلیم باشد. این گروه که عمدتاً از نسل اروپاییان مهاجر و مستقرشده در قلمروهای صلیبی در آن سوی دریاها بودند، «سیاست هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» را در برابر رویکرد تهاجمی جبهه دربار پادشاهی که مبتنی بر «تداوم جنبش صلیبی علیه ساراسن‌ها در اراضی مقدس» بود، دنبال می‌کردند. تحلیل انتقادی اثر مزبور نشان می‌دهد که روایت ویلیام صوری از صلاح‌الدین، استراتژی برای بازنمایی دشمن در قالب شخصیتی قابل احترام (عادی‌سازی دشمن در برابر سیاه‌نمایی جبهه مخالف) بوده است.

با اتمام کار و روایت ویلیام صوری و سقوط اورشلیم و آغاز جنگ صلیبی سوم (۵۸۵ هـ. - ۱۱۸۹ م.)، می‌توان تمامی روایت‌های موجود در آثار تاریخی، ادبی و مذهبی در صفحات اروپا را در دو پارادایم بخش‌بندی کرد؛ نخست آثار و روایت‌هایی که متأثر ذهنیت «خودمقصر‌پنداری»، حوادث پیش‌آمده را تنبیه و تعذیبی می‌دانند که خداوند با کمک عامل خارجی (چوب الهی) بخاطر خطاها و اعمال اشتباه گذشته مسیحیان برای آنها در نظر گرفته

است. دومین دسته نیز آثار و روایت‌هایی هستند که با «فاجعه‌سازی» حوادث رخ داده و با کمک نگرش و آموزه‌های «آخرازمانی»، صلاح‌الدین را به عنوان عامل اصلی و نقش اول این شرایط بحرانی می‌دانند و به تصویر می‌کشند.

اما پیش از پرداختن به این پارادایم‌ها و روایت‌های پدیده آمده متأثر از آنها، ابتدا باید به شعری ناشناخته<sup>۲۶</sup> به زبان لاتین اشاره کرد که در حدود سال ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۷ م. در فرانسه و یا انگلستان نوشته شده است. این شعر کوتاه و مختصر عمدتاً بر به قدرت رسیدن صلاح‌الدین در آن سوی دریاها به عنوان «ظالم و جبار» و «فرزند زنازاده و نامشروع» و «غلام و برده نورالدین زنگی و شاخه‌ای منحرف از خاندان نورالدین» تمرکز دارد که با «اغواگری و توطئه» توانست نورالدین و یودکس بابلون<sup>۲۷</sup> را به قتل برساند و قدرت را در دست بگیرد و علیه فرانک‌ها شمشیر در دست بگیرد. (Jubb, 2000; 6; Phillips, 2024; 83-108)

اهمیت این شعر از این جهت است که سعی داشته تا خلأیی که در رابطه با تبار و نخستین ایام زندگانی صلاح‌الدین پیش از رسیدن به قدرت مصر را براساس خیال خود یا روایت‌های شفاهی موجود، پر کند. گرچه در روایت آثار بعدی، تنها یک منبع، ایتینرایوم رجیس ریکاردی<sup>۲۸</sup>، تقریباً بدین شکل به تبار و نخستین ایام زندگانی صلاح‌الدین پرداخته است. (Richard de Templo, 1997; 23-27) اما تاریک بودن بخش نخستین زندگانی صلاح‌الدین در اذهان غربی‌ها و همچنین اشارات چنین منابعی به «فرزند نامشروع یا تبار منحرف و ناشناخته» وی، سبب شد تا این عنصر در روایت‌های قرون بعدی در خدمت و

---

۲۶. هیچ اطلاعاتی در رابطه با این شعر از جمله مؤلف آن باقی نمانده است. با این حال این شعر در اواخر قرن ۱۹ توسط مورخ فرانسوی، گاستون پاریس (*Gaston Paris*)، مجدداً کشف شد و پاریس از این شعر اثر خویش «لا لژاند د سالادین» (*La légende de Saladin*) بهره برد. پاریس معتقد است که این شعر پیش از شروع کارزار صلیبی جدید نوشته و منتشر شده باشد چراکه اشاره‌ای به سقوط اورشلیم و سایر شهرهای اراضی مقدس توسط به دست صلاح‌الدین نمی‌کند.

27. Judex of Babylon; همان العاضد خلیفه فاطمی

28. *Itinerarium Regis Ricardi*

کممک خیال اروپاییان در بیاید و از آن در پروسه تبدیل «دیگری» به «خودی» بهره جویند. در اروپای قرون وسطی، مفهوم «اراده و مشیت الهی»<sup>۲۹</sup> و پیوند آن با «جنبش صلیبی»، بر تفسیر حوادث جنگ‌های صلیبی تأثیرگذار بود. پس از شکست مسیحیان در نبرد حطین و سقوط اورشلیم، پاپ در فرمان آنودیتا تر مندلی<sup>۳۰</sup>، ضمن اذعان به رسوخ شیطان در صفوف مسیحیان، صلاح‌الدین را تنها ابزاری برای «تنبیه مسیحیان در چارچوب اراده خداوند» معرفی کرد؛ (Smith, 2018; 63-101) بنابراین در طر حواره پاپ و دستگاه پاپی، صلاح‌الدین نقش دوم و اندک را در درامای «گناه و توبه» بازی می‌کرد و تلاشی برای «دیوسازی و شیطان‌سازی» وی از جانب آنها صورت نگرفت. (Phillips, 2024; 83-108) هر چند تمامی افراد مرتبط و نزدیک با دستگاه پاپ چنین رویکردی را در پیش نگرفتند.

پیتر بلویی<sup>۳۱</sup>، متکلم و کشیش فرانسوی، و یواخیم فیوره<sup>۳۲</sup>، اسقف و مؤسس فرقه رهبانی سن جیوانی، از جمله افرادی بودن که در روایت خود از صلاح‌الدین از طر حواره متفاوتی در قیاس با ویلیام صوری و پاپ بهره جستند. پیتر بلویی در رساله پاسیو رجینالدی<sup>۳۳</sup> خود، صلاح‌الدین را در مقام «دیو شیطانی» در مقابل رونود شاتیون<sup>۳۴</sup> «قدیس شهید» قرار می‌دهد و او را «سگ بابلونی، فرزند ضلالت و تباهی» و «فاحشه بابلون و مست از خون شهیدان» می‌خواند. اما مهم توصیف پیتر بلویی از سلطان ایوبی در رساله خویش، «ضدمسیح و دجال»<sup>۳۵</sup> خواندن او است. (Rubenstein, 2019; 172-175) افزون بر پیتر بلویی، یواخیم فیوره از مسئله «صلاح‌الدین دجال و آخرالزمان» استفاده می‌کند، چه بسا با شدت و نگرانی بیشتری از پیتر بلویی. از منظر فیوره، پیامبر اسلام و صلاح‌الدین ایوبی نقش کلیدی

29. Will of God

30. *Audita tremendi*

31. Peter of Blois

32. Joachim of Fiore

33. *Passio Reginaldi*

۳۴. ارباب صلیبی ماوراء اردن که در منابع اسلامی با نام‌واره ازنات یا ریش قرمز شناخته می‌شود.

35. Antichrist

در شرایط آخرالزمانی داشتند. به نحوی که سلطان ایوبی یکی از «هفت سر هیولای آخرالزمانی» در نگاره مشهور اوست. (Rubenstein, 2019; 181-207)

آنچه در وهله نخست از روایت این افراد باید بدان اذعان کرد، فضای روحی آشفته جهان غرب و بار روانی سنگین بر اذهان مسیحیان پس از آگاهی از اخبار سقوط اورشلیم است. این مسئله نشان از یک «آشفته‌گی آخرالزمانی» می‌داد و از نظر آنها از دست رفتن صلیب مقدس توسط صلاح‌الدین با از دست رفتن تابوت عهد<sup>۳۶</sup> قابل مقایسه است. (Cassidy, 2017; 619-627)

به همین جهت است افرادی همچون پیتربلوی و یواخیم فیوره ضمن عامل اصلی خواندن سلطان ایوبی، برای استهزای وی از الفاظی همچون لفظ «ضدمسیح و دجال» بهره می‌جویند. هرچند این نگرش به مرور در مقابل دیگر روایت‌ها و پارادایم‌ها از سلطان در غرب رنگ باخت به نحوی که با وجود تأثیرپذیری دانه‌آلیگیری از فیوره، دانه متأثر از روایت و تصاویر رایج از سلطان ایوبی در قرون بعد صلاح‌الدین را در اثر به تصویر می‌کشد.

در موج سوم جنگ‌های صلیبی، نویسندگان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی که به نگارش تواریخ مرتبط به این رویداد ست زدند، عمدتاً با صلاح‌الدین ایوبی از طریق گزارش‌ها و نامه‌ها و آثاری پیشین‌ان آشنا شده بودند. بدین خاطر نگاه این مؤلفان به سلطان ایوبی عموماً منفی بود، با این حال، برخی روایت‌های آنها که حاصل مشاهدات عینی بود، حاوی تصاویری بدیع از صلاح‌الدین بود که بعدها در بازتعریف شخصیت او در غرب مؤثر واقع شد.

کرونیکن تیره سانکت<sup>۳۷</sup> از نخستین‌ها گزارش از نویسنده‌ای مجهول نام پس از هیستوریا ویلیام صوری است و به نوعی پاداریم ویلیام را در اثر خویش ادامه داده است؛ او صلاح‌الدین

36. The Ark of the Covenant

۳۷. عنوان کامل این اثر لیبوس دِ اِکسپوناچیونه تیره سانکتِه پِر سالادینوم است؛

*Libellus de expugnatione Terrae Sanctae per Saladinum* (also called the *Chronicon terrae sanctae*)

را در نگاهی کلی «جباری مغرور و جاه طلب با ذهنیتی شیطانی» (Anonymous, 2019; 181 & 129-113) می خواند که که با هر شیوه‌ای همچون حيله، زبان بازی و تطمیع در صدد آن است که به اهداف شوم خود از جمله پاک کردن مسیحیان و نام مسیحیت برسد. (Brewer, 2024; 44-56) هر چند با وجود اشاره چندین باره به رذایل و اعمال خصمانه سلطان، این گزارش برای نخستین بار به «رحم و مروت» صلاح‌الدین ایوبی نسبت به محاصره‌شوندگان و اسیران در اشکلون، عکا و اورشلیم اشاره می‌کند که از نظر نویسنده امری «غیرعادی و خارق‌العاده» است: (Anonymous, 2019; 179-181)

«... پادشاه دمشق پس از مشاهده جان بر کفی اهالی آن شهر، بدان‌ها وعده حفظ کیش، تضمین جان و حفاظت از آنها را داد و گفت: به تمامی افرادی که تحت لوای دولت من هستند، بدانند و هوشیار باشند که اهالی عکا مشمول رحمت من شده‌اند و اگر ساراسنی به جان یا مال آنها تعرض کند، به جهت خوار شمردن فرمان من، به مرگی وحشتناک دچار خواهد شد. (...»

به نظر می‌رسد که نویسنده رویکرد صلاح‌الدین در برابر شهرهای محاصره شده را نوعی حيله و راهبرد سیاسی می‌داند. (Phillips, 2024; 83-108) با وجود ضعف‌های نظامی نیروهای مسلمان که توسط برخی مورخان مانند ابن اثیر تأیید شده، صلاح‌الدین برخلاف انتظار مسیحیان صلیبی، از کشتار دشمنان خودداری کرد و رویکردی انسانی در فتح شهرها اتخاذ نمود. این رفتار و کنش خود منجر به شکل‌گیری تصویری متفاوت از یک رهبر نظامی مسلمان در قیاس با سایرین شد. (معلوف، ۱۳۹۷؛ ۲۷۴-۲۷۸)

افزون بر این اثر، آثار دیگری همچون ایتینراریوم رجیس ریکاردی، اثر ریچارد دِ تِمپلو<sup>۳۸</sup> که مقارن با کرونیکن تیره سانگته به رشته تحریر درآمدند، نیز بر این موضوع به شکل‌های مختلف صحنه گذاشتند و آن را تأیید کردند. این اثر برخلاف سایر آثار وقایع‌نگارانه، روایت خود را با صلاح‌الدین آغاز می‌کند که مردی «فرصت طلب و جاه طلب»، «بی‌وفا به عهد و پیمان



خویش» و «موهن به مقدسات مسیحیان» بود که توانست با «اذن الهی» و بخاطر «اعمال و گناهان مسیحیان شرق» علیه فرانک‌های آن سوی دریا بشورد و آنها را شکست دهد. (Richard de Templo, 1997; 27-297) افزون بر این، ریچارد د تمپلو به تبار و نسب صلاح‌الدین و همچنین نخستین ایام زندگانی وی می‌پردازد. بنا بر روایت این اثر، صلاح‌الدین از مردمانی به نام میرمورائوس<sup>۳۹</sup> بود که توانست از طریق «قوادی» در جوانی به جایگاه برجسته‌ای در شهر دمشق برسد و به مرور توانست قدرت را در دمشق و بابلین<sup>۴۰</sup> و حتی هند را تصاحب کند. (Richard de Templo, 1997; 23-27) اما آنچه در روایت این ریچارد د تمپلو باید توجه نمود، اشاره وی به «شوالیه شدن و پوشیدن جامه آنان» توسط صلاح‌الدین ایوبی است که خود مبدل به یکی از شالوده و سنگ‌بنای تصویر خیالین صلاح‌الدین آثار وقایع‌نگارانه و ادبی قرون بعدی شد: (Richard de Templo, 1997; 27; Phillips, 2024; 83-108)

«با گذر ایام، او [صلاح‌الدین] به سنی رسید که قوت بازوانش ایجاب می‌کرد که منصب شوالیه را برعهده گیرد. بدین سان در قامت یکی از نامزدان این منصب به نزد انفرید تورون، شاهزاده برحسته فلسطین، شتافت و کمر بند شوالیه‌گری را مطابق با آیین فرانک‌ها از او دریافت کرد. ...»

اما پیش از پرداختن به مسئله «شوالیه شدن و شوالیه‌گری صلاح‌الدین»، آنچه که در روایت آثاری همچون یعنی استوریه د لا گِر سان<sup>۴۱</sup> از وقایع‌نگار نورمنی آمبرواز<sup>۴۲</sup> برجسته است، تغییر بازیگر نقش «دشمن اصلی» در اذهان اروپاییان درگیر جنگ صلیبی سوم است.

39. Mirmuraenus

۴۰. منظور نویسنده از بابلین، دژی است در حاشیه رود نیل و در نزدیکی قاهره قرار دارد که به دستور ترازان در قرن ۲ میلادی ساخته شد نه شهر باستانی در میان‌رودان که با توجه به این می‌توان منظور وی را تمامی ولایت مصر دانست.

41. *L'Estoire de la Guerre Sainte*;

این اثر منظوم در برخی روایات و بخش‌ها (به‌خصوص تاریخ مراحل نخستین محاصره عکا) با اثر ایتینارایوم رجیس ریکاردی تشابهاتی دارد.

42. Ambroise

همانطور که پیشتر بیان شد، صلاح‌الدین از منظر مسیحیان شرق و غرب نخست در قامت جلوه انسانی عذاب و غضب الهی<sup>۴۳</sup> بود اما در روایت‌های مقارن با جنگ صلیبی سوم، بخاطر ناکامی صلیبیون در رسیدن هدف اصلی خویش که بازپس‌گیری اورشلیم بود، جایگاه خود را به عنوان دشمن و طرف متخاصم به اشخاص دیگر واگذار کرد یا از شدت عدو بودن وی در روایت‌ها کاسته شد. به نحوی که هر نویسنده و وقایع‌نگار با توجه به وابستگی‌های خود به یکی از رهبران جنگ صلیبی، دیگری را در قامت عامل اصلی ناکامی و دشمن اصلی می‌دید نه صلاح‌الدین ایوبی. (Ambroise, 1897; 122-425؛ Tolan, 1996; 17-)

(18)

بنابراین جایگاه و موقعیت صلاح‌الدین در روایت‌ها متأثر از پروپاگاندا انگلیسی و فرانسوی طی جنگ صلیبی سوم تغییر کرد. آثار فرانسوی همچون *گستا فیلپی آگوستی*<sup>۴۴</sup> اثر ریگورد بجز روایت اندک از آنچه که در شرق و در هنگامه محاصره عکا به وقوع پیوسته، به نوعی از سلطان ایوبی «رویگردانی و بی‌تفاوتی» کرده و تمام تمرکز خود را معطوف ریچارد و نقد اعمال او طی جنگ صلیبی کرده‌اند.<sup>۴۵</sup> (Rigord, 2022; 125-127) در مقابل اما گرچه روایت آثاری همچون اثر منظوم *آمبرواز انگشت اتهام* را به سوی فیلپ و فرانسوی‌ها دراز می‌کنند اما برخلاف روایت فرانسوی‌ها، روایت‌های انگلیسی نسبت به صلاح‌الدین و برادرش *سیف‌الدین العادل*<sup>۴۶</sup> بی‌توجهی نکرده و سعی بر «برجسته کردن» گام‌به‌گام آنها در چه هنگامه نبرد (اشاره به شرافت و نجابت وی) و چه در هنگامه صلح (اجازه زیارت به مسیحیان و واگذاری کلیساهای آنها به اسقفان لاتینی پس از پایان یافتن جنگ)

43. Divine wrath

44. *Gesta Philippi Augusti*

۴۵. هرچند این نگاه صرفاً در روایت مقارن با جنگ صلیبی سوم قابل مشاهده است و در آثار بعدی چنین نگاهی به سلطان ایوبی مشاهده نمی‌شود.

۴۶. در روایت *آمبرواز*، از *سیف‌الدین العادل* به واسطه ارتباطات و مناسباتی که با ریچارد طی مذاکرات طرفین برقرار کرده، تصویر برجسته و مثبت‌تری در قیاس با صلاح‌الدین دیده می‌شود.

می‌کنند. (Tolan, 1996; 21-22; Ambroise, 1897; 213-214)

به نظر می‌رسد این برجسته‌سازی در کنار متهم کردن فرانسوی‌ها به خیانت و پشت کردن به آرمان صلیبی‌گری توسط وقایع نگاران انگلو-نورمن بیشتر از جهت «تلطیف و توجیه کردن ناکامی» ریچارد در هدف اصلی جنگ صلیبی، بازپس‌گیری اورشلیم، است. (Tolan, 1996; 19) هرچند این مسئله بدین معنا نیست که روایت اینچنین آثاری فارغ از هرگونه نگاه منفی نسبت به صلاح‌الدین هستند بلکه این آثار با پی‌گیری «پروپاگاندا ی جنگ»، ضمن برجسته کردن دشمن، سعی بر سیاه نشان دادن آن نیز هستند تا یک «دوگانگی» را در تاریخ روایی خویش پدید آورند. (Phillips, 2019; 317-318)

روایت‌های تاریخی از صلاح‌الدین و ریچارد شیردل فراتر از ذکر خصوصیات سلحشورانه آنها و در دوگانگی صلاح‌الدین-ریچارد بود. در واقع در زمان شکل‌گیری تصویر خیالی صلاح‌الدین در غرب، بسیاری از روایت‌ها از دل داستان‌های مرتبط با ریچارد نشأت گرفته بودند. چراکه ریچارد در انگلستان و فرانسه به عنوان «پادشاه سلحشور مسیحی» شناخته می‌شد و مبدل به نمادی در دو سرزمین مزبور با فرهنگ مشترک آنژوین<sup>۴۷</sup> شده بود.<sup>۴۸</sup> افزون بر این، وقایع‌نگاران مسیحی قرون وسطی، از جمله ژان د ژوانویل<sup>۴۹</sup>، با پذیرفتن ایده «پادشاه نمونه مسیحی»، ریچارد را معیاری برای سنجش سایر پادشاهان می‌دانستند. بدین جهت ناکامی ریچارد در جنگ صلیبی سوم باعث شد صلاح‌الدین در روایت‌های انگلو-نورمنی برجسته شود و جایگاه خود را در انگلستان و فرانسه تثبیت و تضمین کند. (Joinville and Villehardouin, 2008; 285)

ایجاد این دوگانگی، بنا به نظر شیوون بلای کلکن<sup>۵۰</sup>، تلاشی برای توضیح و توصیف «خود» بود تا از هویت خویش صیانت و محافظت کنند چراکه در آن ایام فرانسوی‌ها و

47. Angevin

۴۸. برای اطلاعات بیشتر نک.:

Gillingham, J. (1979). *Richard the Lionheart*. United Kingdom: Times Books.

49. Jean de Joinville

50. Siobhain Bly Calkin

انگلیسی خود را طریق و دریچه «دیگری» تعریف می‌کردند. بنابراین ناکامی ریچارد با آن جایگاهش در مقابل صلاح‌الدین و همچنین اهمیت صیانت هویت خویش سبب شده است تا اهالی انگلستان و فرانسه درصدد تغییر تصویر صلاح‌الدین مطابق با ایده‌آل‌های بریابند تا بتوانند هویت خود را تعریف و از آن محافظت کنند. (Jubb, 2000; 222-225) هرچند به نظر می‌رسد این مسئله را بایستی در کنار دیگر دلایل شکل‌گیری و پدید آمدن تصاویر خیالین از سلطان ایوبی در نظر گرفت.

افزون بر روایت‌های آنگلو- نورمن‌ها و فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و نویسندگان حاضر در امپراتوری مقدس روم نیز دست به نگارش وقایع سرزمین‌های آن سوی دریا و همچنین لشکرکشی سوم صلیبی زدند. این روایت‌ها، برخلاف همتایان فرانسوی و انگلیسی، از منظری دورتر و بر اساس گزارش‌های شاهان عینی و از همه مهم‌تر از منظر طرف درگیر اصلی آنها یعنی امپراتوری بیزانس و ترکان سلجوقی نگاشته شده‌اند. با این حال آثاری همچون هیستوریا دِ اِکسپدیتیونه فریدریچی ایْمپراتوریس<sup>۵۱</sup> و آرنولدی کرونیکا اسلاوروم<sup>۵۲</sup> براساس اخبار و گزارش رسیده از شرق و با ادامه پارادایم «تنبیه مسیحیان با صلاح‌الدین ایوبی»، سلطان ایوبی را «دشمنی خبیث، فرصت‌طلب و مغرور» معرفی می‌کنند. (Anonymous, 2016; 136-141; Loud, 2019; 132-161; Brewer, 2024; 44-56) نکته شایان توجه در روایات آلمانی‌ها، ترسیم روابط پیچیده میان صلاح‌الدین، بیزانس و صلیبیون - که می‌توان آن را همکاری شرقی‌ها در برابر غربی‌ها خواند - است. دلیل این رویکرد، اختلافات میان جهان مسیحیت لاتینی و یونانی و درگیری‌های آلمانی‌ها با امپراتوری بیزانس و سلاجقه روم در حین جنگ صلیبی سوم و حتی پیش از آن بوده است. (Anonymous, 2016; 144-145 & 147)

## ۲. صلاح‌الدین ایوبی در روایت‌های پسین صلیبی: تخیل سلحشورانه

51. *Historia de expeditione Friderici imperatoris*

52. *Arnoldi Chronica Slavorum*

با پایان جنگ صلیبی سوم و بازگشت صلیبیون به اروپا و مرگ صلاح‌الدین ایوبی، روایت‌ها از حوادث سرزمین‌های آن سوی دریا و شخص سلطان ایوبی در صفحات غربی ادامه پیدا کرد. گرچه پارادایم رایج «صلاح‌الدین ضد مسیح و مسیحیت»<sup>۵۳</sup> و «مشیت و عذاب الهی» در آثار مقارن با جنگ صلیبی سوم در برخی آثار بعد از این رویداد ادامه پیدا کرد اما ناکامی مسیحیان در بازپس‌گیری اورشلیم و همچنین تداوم خاطره تلخ شکست مسیحیان در برابر صلاح‌الدین در اذهان سبب شد تا تلاشی ذهنی - خواسته یا ناخواسته - برای تلخیص «خاطره جمعی» موجود و یا توجیه شکست و ناکامی مسیحیان در برابر سلطان ایوبی در آثار وقایع‌نگارانه و ادبی با بهره‌جستن از روایت‌های پیشین و تصاویر موجود از صلاح‌الدین در اروپا صورت گیرد.

افزون بر مسئله «دوگانگی ریچارد - صلاح‌الدین»، صلاح‌الدین در زمان جنگ‌های صلیبی، همزمان با اوج‌گیری «شوالیه‌گری و سلحشوری»<sup>۵۴</sup> و ادبیات حماسی - عاشقانه حول شوالیه‌ها و قهرمانان در اروپای مسیحی می‌زیست. مفهوم شوالیه‌گری پیچیده و چندوجهی است که به راحتی قابل تعریف نیست و می‌تواند نمایانگر آرمان، سلوک، پیشه، سنت، موقعیت اجتماعی یا حتی یک جهان‌بینی باشد.<sup>۵۵</sup> (Bale, 2019; 146) هرچند مسیحیان لاتینی از تصویری آرمانی و خیالی از شوالیه‌ها استفاده می‌کردند که عمدتاً برگرفته از افسانه و ادبیات بود. (لوگوف، ۱۳۹۹؛ ۷۳-۸۴) بدین جهت «شوالیه‌گری و سلحشوری» همان مسئله‌ای بود که اروپاییان مسیحی از قرن ۱۳ م. به بعد برای آرام‌ساختن ذهن خود بخاطر

---

۵۳. برای نمونه می‌توان به اثر لهستانی کرونیکا پولورونوم (*Chronica Polonorum*) اشاره کرد که در آن از اصطلاح تازه «سالادینیستاس» (*Saladinistas*) برای توصیف دشمنان دین مسیحیت و لزوم مبارزه با آنها استفاده می‌کند.

54. Chivalry

۵۵. هم در منابع قرون وسطی و هم در منابع جدید، شوالیه‌گری می‌تواند نمایانگر یک آرمان، یک سلوک، یک پیشه، یک سنت و مبانی رفتار برای شوالیه‌ها، یک نهاد، یک موقعیت اجتماعی یا عادت اشرافانه، و حتی یک ذهنیت یا جهان‌بینی مشترک باشد.

خاطرات تلخ شکست‌ها و ناکامی‌ها بدان نیاز داشتند و از آن در روایت‌های پسین خود از سلطان ایوبی بهره بردند. چراکه برخی محاسن و ویژگی‌های رفتاری صلاح‌الدین که توسط وقایع‌نگاران پیشین در آثار مختلف منعکس شده بود، با کدهای اخلاقی شوالیه‌های اروپایی همسو بود و تطابق داشت. (Tolan, 1996; 25-26)

پس از ویلیام صوری و پایان یافتن روایت وی در اثر خویش، بسیاری نویسندگان لاتینی و فرانسوی در شرق و غرب درصدد تکمیل و ادامه کار او برآمدند. خروجی تلاش این افراد انتشار ذیل‌هایی بسیاری به زبان لاتینی و فرانسوی<sup>۶</sup> در قرن ۱۳ م. همچون وقایع‌نامه ارنول بود که در نسخ خود از وقایع‌نامه‌ها افرادی که در شرق لاتینی می‌زیستند، بهره برده بودند. این ذیل‌ها همچون ویلیام صوری نیروهای داخلی را عامل اضمحلال و سقوط پادشاهی و اورشلیم می‌دانستند، اما برخلاف روایت‌گری ویلیام صوری از سلطان ایوبی، به نظر می‌رسد تصویر ذیل‌ها از صلاح‌الدین تلطیف‌تر و بر برخی رفتار «زاهدانه، سخاوتمندانه، متواضعانه و جوانمردانه» سلطان در برابر شکست‌خوردگان و شهرهای محاصره شده از جمله اورشلیم تأکید بیشتری شده است: (Morgan, 1981; 63; Phillips, 2019; 317-318; Edbury, 2016; 59-65)

«... او به تمامی افسران خویش در دستور داد در تمامی شهر اعلان کنند که فقیران شهر می‌بایست شهر [اورشلیم] را ترک کنند. ... این عمل، دستگیری و صدقه‌ای بود که صلاح‌الدین در حق فقیران بیشماری انجام داد. ...»

افزون بر ذکر این محاسن و فضایل، در ذیل‌ها به مسئله تمایلات صلاح‌الدین به «رسوم فرانک‌ها و آداب شوالیه‌گری» در حین پناهنده شدن یک شوالیه به دربار او اشاره می‌کند که پیشتر تنها در ایتینارایوم رجیس ریکاردی روایتی مشابه در باب تمایلات سلطان به شوالیه‌گری ذکر شده است: (Morgan, 1981; 50)

«... [صلاح‌الدین] خواهرزاده خویش را بدو سپرد و از او خواست تا او را به شیوه فرانک‌ها

و همچنین آداب و اخلاق خوب آموزش دهد...»

آنچه که در رابطه با این اثر و آثار مشابه با آن باید بدان اشاره کرد، آن است که برخلاف سایر منابع که نوشته وقایع‌نگاران اروپایی، آثار از این دست توسط مهاجران لاتینی مستقر شده در شرق (پولین<sup>۵۷</sup>) نوشته شده‌اند که نگاهی متفاوت نسبت به ساراسن‌ها یا مسلمانان دارند؛ با اینکه ساراسن‌ها دشمن اصلی آنها بودند اما نفرت منابع غربی دور (از منظر جغرافیایی) نسبت به مسلمانان در آثار آنها دیده نمی‌شود که متأثر تجربه هم‌زیستی آنها در یک جغرافیای مشترک بود.<sup>۵۸</sup> این رویه در آثار افرادی همچون ژاک دو ویتری، هیستوریا اورینتالیس<sup>۵۹</sup>، نیز ادامه یا تأثیر گذاشت. ژاک دو ویتری در قیاس با سلف وقایع‌نگار خود، تصویر مثبت‌تری از سلطان ایوبی ارائه کرده است و بر فضایل وی بیش از پیش صحنه گذاشته است که نشان تحول تصویر وی در اذهان و به نوبه آن در خاطره جمعی مسیحیان لاتینی دارد: (De Vitry, 2008; 94)

«... صلاح‌الدین مردی حکیم و دوراندیشی به شمار می‌رفت و از توانمندی و موهبت ویژه نظامی برخوردار بود و در عین حال نه تنها در میان سراقنه بلکه در میان مسیحیان نیز به کرم و بخشش شهرت داشت...»

با تغییر مسیر و اهداف جنبش صلیبی، دیگر جریان و موجی به میزان و برجستگی جنگ صلیبی سوم در اروپا بجز جنگ صلیبی هفتم به وقوع نپیوست. تاریخ‌نگاری جنگ‌های صلیبی در اراضی مقدس نیز متأثر از این مسئله به مرور در حال رنگ باختن بود و به نوبه آن نیز از تعداد آثار وقایع‌نگارانه مرتبط با شرق لاتینی و دولت‌های صلیبی آن سوی دریا کاسته شد و تمامی آثار پدیده آمده نیز روایت بدیع و جدیدی ارائه نکردند.

با این حال ژان د ژوانویل دست به نگارش یکی از مهم‌ترین آثار مقارن با آخرین ایام

57. Poulain

۵۸. برای کسب اطلاعات بیشتر در این رابطه، نک.:

*The French of Outremer: Communities and Communications in the Crusading Mediterranean.* (2018). United States: Fordham University Press.

59. *Historia Orientalis*

جنگ‌های صلیبی در اراضی مقدس، وی د سن لویی<sup>۶۰</sup>، زد که تاریخ پادشاهی لویی نهم، پادشاه فرانسه از جمله جنگ صلیبی وی در سال ۶۴۷ هـ. - ۱۲۴۹ م. که خود شاهد و ناظر آن بود، است. پیشتر در باب مسئله ریچارد به عنوان پادشاه ایده‌آل مسیحی در اثر ژان د ژوانویل پرداخته شد. اما در باب صلاح‌الدین، این اثر تصویر شکل‌گرفته و تحول‌یافته از سلطان ایوبی در اروپای مسیحی و لاتینی را آشکار کرد. به‌نحوی سلطان ایوبی برای مسیحیان مبدل به شخصیتی اسوه و نمونه شده است که ترازویی است برای سنجش رفتار همگان حتی ساراسن‌های مسلمانان و نوادگان وی: (Joinville and Villehardouin, 2008; 227)

«... از آن رفیق ساراسن خواستم که به آنها بگوید که عملشان کریمانه نیست، چون با تعالیم صلاح‌الدین منافات دارد. او گفته بود هرگز روا نیست مردی را که نان و نمکتان را با او نصف کرده‌اید، به قتل برسانید. ...»

روایت‌های روایت‌های اینچنین در آثار وقایع‌نگارانه و برجسته‌قرون وسطی در نیمه قرن ۱۳ م. نشان می‌دهد که تصویر صلاح‌الدین ایوبی در میان مسیحیان لاتینی دستخوش تحول شده است. با پایان جنگ‌های صلیبی و سقوط به مرور دولت‌های مسیحی در آن سوی دریاها، اروپای مسیحی برای تلطیف و کاستن تلخی خاطره شکست و ناکامی خویش کوشید تا تصویر صلاح‌الدین را از «دیگری» به شکل خواستنی خود تبدیل کند. این تغییر بیشتر در «تخیل و خیال قرون وسطی» رخ داد تا بازآبداعی این شخصیت برای آنها معنادار شود. (Phillips, 2019; 317-318) بدین ترتیب با کمک تخیل، تصویر خیالی با محوریت سه موضوع «شوالیه‌گری و سلحشوری»، «مسیحی و اروپایی» و «رمانس و عاشقانه» حول شخصیت صلاح‌الدین در آثار مسیحی به‌خصوص ادبی طی قرن ۱۳ و ۱۴ م. پدید آمد. آنچه که می‌توان آن را «اسطوره صلاح‌الدین» نامید.

۳. صلاح‌الدین در روایت‌های خیالی شوالیه‌گری اروپایی پس از جنگ‌های صلیبی  
در قرن ۱۳ میلادی، در سراسر اروپای غربی به‌ویژه فرانسه و انگلستان، نویسندگان با استفاده



از مفهوم سلحشوری و شوالیه‌گری، افسانه‌های و داستان‌های خیالی خویش را با بهره‌جستن از روایت تاریخی موجود به وجود می‌آوردند. همانطور که پیشتر بیان شد، تصاویر و به نوبه آن دیدگاه‌های زیاد اما متضادی از صلاح‌الدین در آثار غربی وجود دارد اما او در همه این تصاویر با آرمان سلحشوری و شوالیه‌گری مطابقت دارد. نمونه بارز این مسئله «ساراسن و کافر بودن» سلطان ایوبی است به نحوی که بسیاری از روایات به رشد و تربیت شرقی و اسلامی صلاح‌الدین معترف هستند اما بازهم او را آرمان سلحشوری تطبیق می‌دهند.

نخستین و البته مهم‌ترین اثری که از ایده صلاح‌الدین سلحشور و شوالیه بهره می‌برد، اثری منظوم است متعلق نخستین دهه‌های قرن ۱۳ میلادی با عنوان *اُردِن دِ شِوالیر*<sup>۶۱</sup> که به مسئله سلحشوری، جوانمردی و شوالیه‌گری در فرانسه و دیگر نقاط اروپا پرداخته است. داستان این شعر بدین ترتیب است که هیو سوم طبریه، طی نبردی اسیر صلاح‌الدین، پادشاه ساراسن‌ها، می‌شود و صلاح‌الدین در صدد فراگیری رسوم شوالیه‌گری و اجرای آیین رسم شمشیر<sup>۶۲</sup> از اسیر فرانکی خویش است. در آخر نیز صلاح‌الدین به وی کمک می‌کند تا هزینه فدیه خود را از طریق قرض تهیه کند تا بتواند آزادی خود را به دست آورد: (House, 1918; 170)

«... هیو، با ایمانی که به خدای کیش خویش داری، / مدیونی که مرا آگاه سازی / چرا که من مشتاقم راه درست را دریابم / و اراده و قریحه آن را دارم که به درستی بیاموزم / که چگونه شوالیه‌ها برگزیده می‌شوند ...»

با این حال این روایت با تأکید بر «کافر بودن» وی با بیا گزاره «فرقه مقدس شوالیه‌گری هرگز مشمول تو نخواهد شد بخاطر ایمانی که به شریعت شیطنی داری» (House, 1918; 170-171) بر مسلمان بودن و زیست اسلامی وی تأکید می‌کند. هرچند در روایت دیگری در اثر استوار<sup>۶۳</sup> د لا نسانس سالهادین<sup>۶۳</sup> که مرتبط با بحث سلحشوری صلاح‌الدین

61. *Ordene de chevalerie*

62. *Accolade*

63. *Estoires d'Outremer et de la naissance Salehadin;*

است، برخلاف روایت آوردن هیو پس از اصرارهای صلاح‌الدین متقاعد شده و چنان تحت تأثیر شخصیت و محاسن وی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند مانع خویش شود و بی‌درنگ آیین ضربت شمشیر را بجا آورده و صلاح‌الدین را شوالیه می‌کند. (Jubb, 1990; 72); (Phillips, 2019; 320-321) با این حال به مرور، همان هنگام که تصویر صلاح‌الدین در تاریخ تخیل سلحشورانه در حال پرورش است، ایمان راسخ صلاح‌الدین به اسلام به مرور به ارادت و تحسین پنهانی مسیحیت و حتی در ادامه تغییر کیش به مسیحیت تبدیل می‌شود.

در قرن ۱۳ میلادی، صلاح‌الدین برای غربی‌ها خارج از جامعه و حلقه «خودمانی» آنها بود. با این حال فارغ از زمینه‌هایی که صلاح‌الدین در آن فهم می‌شد، زندگی او از نظر غربی‌ها ارزش ثبت داشت؛ بنابراین آنها می‌بایست اعمال یا شخصیت صلاح‌الدین را توجیه می‌کردند. افزون بر این در این دوره، غربی‌ها درصدد تعریف هویت خود از طریق «دیگری» بودند، بدین طریق با استفاده از عنصر «دیگری» به تدریج صلاح‌الدین را با ویژگی‌های یک شخص در تخیل اروپایی خود بازسازی کردند. این روند خود نشان‌دهنده چگونگی تعریف و بازتعریف «دیگری» در تاریخ اروپایی است. این مسئله با دیدن تصویر بعدی که از صلاح‌الدین در تاریخ تخیل اروپایی در غرب شکل گرفت قابل فهم است: جایی که سلطان صلاح‌الدین، عنصر اصلی یک اروپایی یعنی «مسیحی بودن» را دریافت می‌کند. (Jubb, 2000; 222-225)

افزون بر سلحشوری و شوالیه‌گری صلاح‌الدین ایوبی، تصویر کمتر رایج‌تر و شناخته‌تری در اروپای مسیحی پدید آمدند که او را به عنوان یک شخص مسیحی یا اردتمند به کیش مسیحیت توصیف می‌کنند. این روایت «بیگانه بافضلیت» را کنار گذاشته و او را نه به عنوان دیگری بلکه یکی از خودی‌ها تعریف و عرضه می‌کند. افزون بر این با برای تکمیل کردن تصویر در حال شکل‌گیری از سلطان ایوبی، صلاح‌الدین به مرور وارد شجره‌نامه‌های اروپایی

---

این اثر که نام نویسنده یا نویسندگان نامشخص است، توسط مارگارت جوب (Margaret Jubb) جمع‌آوری و منتشر شده است.

می‌شود. به نحوی روایت‌هایی در آثاری همچون *لا فی د کومت د پونتیه*<sup>۶۴</sup> حول تبار او در غرب پدید می‌آید که او را از نوادگان خاندان فرانسوی پونتیه بوده است که بیشتر عمر خویش در اروپا گذرانده است و بارها به اروپا سفر کرده است چراکه این شخص با این فضایل و محاسن نمی‌توانست بیگانه و برای «دیگران» باشد. (Phillips, Jubb, 1990; 64-89).  
به نظر می‌رسد این متن با بهره جستن از برخی روایات پیشین در رابطه با نسب و شجره، روایت بدیعی از صلاح‌الدین ارائه کرده است هرچند نمی‌توان نقش خیال را در این مسئله کتمان کرد. افزون بر این تصویر برخلاف اسطوره پیشین اندکی دیرتر و در اواخر قرن ۱۳ میلادی ظاهر می‌شود که خود نشان از تحول تصویر او در غرب می‌دهد. (Hillenbrand, 2022; 149-164)

وجود شگفت‌انگیز بودن برقراری پیوند و گرایش‌هایی، همانطور که پیشتر نیز بیان شد، تلاش اروپا برای تبدیل صلاح‌الدین به یکی از خودشان، تنها به ایجاد تبار اروپایی محدود نماند. در این رابطه استوار د اوتر مارت د لانسانس ساله‌ادین نخستین و مهم‌ترین تلاش برای برقراری ارتباط صلاح‌الدین و مسیحیت با ذکر «داستان اخلاقی و تمثیلی سه حلقه» در غرب است.<sup>۶۵</sup> در این داستان، صلاح‌الدین در بستر مرگ، «رهبران بزرگ سه دین مشهور آن زمان در خاور نزدیک را فراخواند تا در باب شایستگی دین خویش به بحث پردازند، چراکه درصدد آن بود که بداند کدام شریعت بهترین است». در ادامه این داستان، پس از گفتگو میان بزرگان ادیان به نظر می‌رسد که مسیحیت به عنوان دین برتر انتخاب شده باشد چراکه صلاح‌الدین در وصیت‌نامه خویش بیشتر بخش از ثروت خود را به مسیحیان اختصاص می‌دهد. (Jubb, Hillenbrand, 2022; 149-164; 1990; 133-139 & 235)

---

64. *La fille du comte de Ponthieu*

۶۵. «داستان سه حلقه» ریشه در روایت‌های متعلق به قرن ۹ تا ۱۱ میلادی در اروپا دارد که به شیوه‌های مختلف و در آثار مختلف بیان شده است. اما به طور می‌توان گفت که در این داستان تلاشی است برای نشان دادن برتری دین مسیحیت از دو دین ابراهیمی دیگر یعنی یهودیت و اسلام. این داستان در رابطه با اسطوره صلاح‌الدین در غرب، به کرات در آثار مختلف در دوره‌های مختلف بیان شده است.

دیگر اثر مرتبط با تصویر مسیحی صلاح‌الدین، اثری به نظم و به زبان فرانسوی قدیم به نام لُپاس سالادین<sup>۶۶</sup> است. آن چیزی که در این شعر در رابطه با اسطوره صلاح‌الدین شایسته مورد توجه است، سفر سلطان به اروپا با همراهی هیو طبریه است که بعدها صلاح‌الدین را شوالیه کرد. با نظر به این اثر می‌توان گفت که در تاریخ تخیل اروپایی قرون وسطایی، روایت این شعر از سفر صلاح‌الدین نشان‌دهنده اشتیاق صلاح‌الدین به فراگرفتن سبک و سنن زندگی مسیحیان است، چراکه نویسنده به نقل از صلاح‌الدین در هنگامه سفرش می‌گوید که «شوقی وافر برای فراگیری تمامی جهان مسیحیت دارم». (Jubb, 2000; 115)

به مرور بسیاری از روایات تاریخ خیال غربی فراتر رفته و مدعی می‌شوند که سلطان درکی از ارزش‌های مسیحیت و مسیحیان داشت. برخی روایت‌های این تاریخ خیالین ادعا می‌کنند که در برخی از نقاط زندگانی صلاح‌الدین، او نهانی و در خفا به مسیحیت گرویده است. به نظر می‌رسد این مدعا نیز تنها برای توجیه شکست و ناکامی مسیحیان در مقابل وی باشد. روایت و داستان گرویدن صلاح‌الدین به مسیحیت در آخرین صفحات کتاب استوار د اوترمر و همچنین داستان مینسترل رنس<sup>۶۷</sup> آورده می‌شود که در هر دو سلطان آستانه مرگ به گرویدن خود اقرار می‌کند اما این موضوع توسط یکی از «ملازمان شریر» سلطان پنهان باقی می‌ماند. (Phillips, 2019; 322; Jubb, 1990; 325-330) افزون بر این بنا به آن چیزی که توسط استوار در این تاریخ خیالین ثبت گردیده است، طی ملاقات صلاح‌الدین با فرانسیس آسیزی، سلطان خود را در مقابل وی می‌افکند و پس از آن توسط قدیس در آنجا غسل تعمید داده می‌شود. (Jubb, 2000; 101-103) مینسترل نیز به ماجرای تعمید صلاح‌الدین می‌پردازد و مدعی می‌شود که صلاح‌الدین: (Anonymous, 1876; 211-212)

«... زمانی که دریافت در بستر مرگ قرار دارد، ظرف آبی را طلب کرد. ... و صلاح‌الدین با دست راستش صلیبی را بر روی ظرف کشید. ... سپس آب را بر سر و روی و بدنش خویش

66. *Le Pas Saladin*

67. *Recits d'un menestrel de Reims*

ریخت و زیر لب کلماتی را به زبان فرانسوی بیان داشت که ما متوجه معانی آنها نشدیم. آن چیزی که من توانستم برداشت کنم، آن بود که او خودش را غسل تعمید داده است. ...»

این روایت در متون بسیاری در اواخر قرن ۱۳ میلادی نیز پدیدار گشت که به نظر می‌رسد چرخش معنایی بزرگی است برای تغییر سلطان از «بیگانه مسلمان» به «شوالیه مسیحی» که در تاریخ تخیل اروپای غربی و مسیحی اتفاق افتاده است. این مسئله خود لایه دیگری را در تخیل اروپاییان مسیحی قرون وسطی نشان می‌دهد که توضیح می‌داد که چرا خدای مسیحیان اجازه سقوط اورشلیم را داده است که در واقع درسی اخلاقی برای امت مسیح نیز بود. در جامعه‌ای که عدالت، مبارزه‌ای میان معصیت و ثواب بود، پیروزی از آن کسی می‌شد که خداوند او را انتخاب کرده است که این پاسخی قابل درک برای مسیحیان قرون وسطی بود.

آخرین روایت خیالی که در باب صلاح‌الدین ایوبی در تاریخ تخیل اروپای غربی قرون وسطی پدید آمد، نه در رابطه با ریچارد بلکه در ارتباط با مادرش، الینور آکتین<sup>۶۸</sup> است. جایی که الینور طی حضور در اراضی مقدس در هنگامه دومین جنگ صلیبی وارد «رابطه عاشقانه» یک طرفه با صلاح‌الدین جوان می‌شود. یکی از آثار برجسته مرتبط با رابطه الینور و صلاح‌الدین، روایت مینسترل رنس است که پیشتر بدان پرداخته شد. (Phillips, 2019; 321)

در این داستان، صلاح‌الدین به عنوان «پاگانی نجیب و سلحشور» به تصویر کشیده شده که درصدد دیدار با الینور است. به نظر می‌رسد مینسترل با ذکر این روایت درصدد آن است که نام الینور را بیش از پیش تیره کند؛ چراکه در بسیاری از آثار مسیحی لاتینی الینور زنی بسیار شیطانی توصیف شده است. با این حال این داستان همچون تاریخ خیالین تبار اروپایی صلاح‌الدین، بدون هیچ پشتوانه تاریخی است چراکه طی حضور الینور در اراضی مقدس در کارزار صلیبی دوم، صلاح‌الدین کودکی ۹ یا ۱۰ ساله بیش نبوده است. (Tolan, 1996; 30; Hillenbrand, 2022; 149-164; Phillips, 2019; 321)

68. Eleanor of Aquitaine

وجه منفی الینور در فرانسه و انگلستان، الینور را عامل اصلی شکست صلیبیون طی جنگ صلیبی دوم می‌خواند: (Anonymous, 1876; 4)

«... زمانی که صلاح‌الدین دریافت که [پادشاه فرانسه] ضعیف و مردد است، چندین بار پیشنهاد نبرد مستقیم را داد اما پادشاه از دیگری مستقیم امتناع کرد. هنگامی که الینور ضعف پادشاه به عینه دید و از زبان مردان، خوبی، قدرت و درک و سخاوت صلاح‌الدین را شنید، شور و شوق نسبت به او در دل خویش احساس کرد و از طریق ملازمان خود، سلام خویش را بدو رساند...»

در این روایت گرچه صلاح‌الدین بار دیگر به عنوان «دیگری» توصیف شده است اما باید توجه داشت که سلطان به چیزی بیشتری مبدل گشته و رخت بازیگر نقش اصلی داستان‌ها را بر تن کرده است. این مسئله خود گواه آن است که او در اروپای قرون وسطی، در تاریخ خیالی مسیحیان پذیرفته شده به نحوی که حتی دیگر «بیگانه» نیست.

#### ۴. صلاح‌الدین در تاریخ خیال رنسانسی: دیگری نقاد

هرچند با آغاز قرن ۱۴ م. و آغاز دوره رنسانس و نوزایی به محوریت ایتالیا، تصویر خیالین صلاح‌الدین در آثار نویسندگان برجسته همچون دانته آلیگیری، فرانچسکو پترارک و جووانی بوکاچیو همچنان حضور داشت و در کنار قهرمانان اروپایی همچون شاه آرتور و ژولیوس سزار قرار گرفت (نادری، همان). با این حال، تصاویر مرتبط با «مسیحی بودن» یا «داشتن تبار اروپایی» مرتبط با او کمرنگ شد و صلاح‌الدین بار دیگر به عنوان «دیگری» (کافر و بیگانه) بازنمایی گردید. این تحول نشان‌دهنده دگرگونی در تاریخ تخیل اروپایی درباره صلاح‌الدین است که همچنان با واقعیت تاریخی او متفاوت بوده و متأثر از ایده‌های عقل باورانه اومانستی دوره متقدم رنسانس است. (Phillips, 2019; 322)

دانته در دیوینا کمدیا<sup>۶۹</sup> صلاح‌الدین ایوبی را مجزا از سایرین در طبقه نخست اینفرونو یا همان دوزخ قرار داده است، جایی که محل «قهرمانان و بزرگانی» همچون سقراط، افلاطون،

اقلیدس و جالینوس است که غسل تعمید را در طول حیات خویش دریافت نکرده‌اند بدین خاطر نمی‌توانستند در بهشت حضور داشته باشند: <sup>۷۰</sup>(Dante, 1867; 53-54)

«... درست در فراروی من، ارواح بسیار نامداران را نشانم دادند که هنوز خویشتن را از دیدارشان غرق شوق می‌یابم. ... و در کناری دور از دیگران، صلاح‌الدین را دیدم. ...»  
افزون بر این، دانتی در دیگر اثر خویش، *کُنویویو*<sup>۷۱</sup>، بار دیگر جایگاهی به سلطان ایوبی در کتاب چهارم که به موضوع «اشرافیت» پرداخته است، اختصاص و او را هم‌رتبه افرادی همچون اسکندر قرار می‌دهد و از خوانندگان اثر می‌خواهد که زندگی شرافتمدانه‌ای همچون صلاح‌الدین در پیش گیرند. (Dante, 2022)

پترارک نیز در شعر «پیروزی شهرت» در دیوان *تریونفی*<sup>۷۲</sup> خود، به صلاح‌الدین اشاره می‌کند و او را «قدرتمند و تنها افتخار سرزمینش» می‌خواند. (Petrarch, 2020) بوکاچیو نیز با علم به روایت‌های خیالی و اسطوره‌شکل‌گرفته از وی، در دو داستان در *دکامرون*<sup>۷۳</sup>، به صلاح‌الدین به عنوان شخصیت اصلی داستان می‌پردازد. داستان نخست برگرفته از همون «داستان سه حلقه» است اما با این تفاوت که تنها حقانیت را به دین مسیحیت نمی‌دهد و در عوض به حقانیت هر دین اشاره می‌کند. (Boccaccio, 2022; 44-47)

روایت جدید بوکاچیو از این داستان در تاریخ تخیل اروپایی، نشان از نفوذ اندیشه‌های اومانیستی در بازاندیشی در تاریخ تخیل دوره میانه قرون وسطی دارد چراکه بجای پاسخ متعصبانه و عجولانه در دفاع از مسیحیت، نویسنده پاسخی سنجیده‌تر و مستدل‌تر و همسو با ایده‌های عقل‌باورانه اومانیستی به پرسش مذهبی ارائه می‌دهد. در دومین داستان نیز با بهره بردن از روایت خیالی موجود از سلطان ساراسن‌ها، به سفر صلاح‌الدین به اروپا می‌پردازد.

---

۷۰. آن چیزی که در روایت دانتی سبب استثناء شدن صلاح‌الدین از سایرین مسلمانان می‌شود، حضور پیامبر اسلام در طبقه هشتم و در اعماق دوزخ و در میان نفاق‌افکنان است و دلیل آن «نفاق و تفرقه‌ای» است که در جهان مسیحیت انداخته بود

71. *Convivio*

72. *Trionfi*

73. *Decameron*

پردازد. (Boccaccio, 2022; 707-714) اما در این داستان بوکاچیو، صلاح‌الدین تحت تأثیر آنچه که در اروپا می‌بینید قرار نمی‌گیرد چراکه مسیحیان را «مردمی خمود، ناکنش‌ور و بی‌علاقه» می‌داند. این روایت خود نشان از نفوذ تنش موجود میان اندیشه‌های اومانیسیم سکولار و دین مسیحی کلیسایی رایج در قرون وسطی می‌دهد که بوکاچیو به زبان صلاح‌الدین آن را بیان می‌کند.

روایت‌های سه نویسنده برجسته دوره رنسانس یعنی دانته آلیگیری، پترارک و جوانی بوکاچیو از صلاح‌الدین ایوبی، نه تنها روایت‌های خیالی و اسطوره‌ای شکل گرفته حول این شخصیت را که در قرن ۱۳ میلادی شکل گرفته بودند، ادامه داد، بلکه با تغییر اسطوره‌های موجود بنا به اقتضائات دوره رنسانس و اومانیسیم، آنها را برای دوره‌های بعدی حفظ کرد. (Hillenbrand, 2022; 149-164) در حالی که قرون وسطی و موضوعات مرتبط با آن همچون جنگ‌های صلیبی، شوالیه‌گری و سلحشوری در دوره روشنگری آماج نقد و حملات روشنفکران و نویسندگان آن دوره قرار گرفت، اما تأثیر و خروجی کار نویسندگان دوره رنسانس که همان ارائه تصویر متناسب با روحیات و ذهن دوره روشنگری (شک‌گرایی و تسامح دینی) بود، سبب شد تا نگاه مثبت به صلاح‌الدین در ادبیات و آثار نویسندگان دوره روشنگری همچون گوتهولد افرایم لسینگ<sup>۷۴</sup> و ولتر ادامه پیدا کند. به نحوی که ولتر بوجود نگاه و قلم تندش نسبت به جنگ‌های صلیبی، صلاح‌الدین را مردی خوشنام و شایسته، قهرمان و فیلسوف می‌خواند (Tolan, 1996; 7; Phillips, 2019; 322-323).

#### نتیجه

تاریخ برهم‌کنش جهان اسلام و مسیحیت بدون فهم تاریخ جنگ‌های صلیبی نابسنده، و فهم تاریخ جنگ‌های صلیبی بدون شناخت صلاح‌الدین ایوبی ناممکن است. با این همه این رخداد در کلاف پیچیده روایی از ادبیات پیشامدرن به ما رسیده است که جهان خیالین قرون

---

74. Gotthold Ephraim Lessing



میانه را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه دریافت ما از گذشته به میانجی متون صورت می‌پذیرد، اینکه روایت‌هایی که گذشته را نمایندگی می‌کنند بر مبنای کدام رویکرد واکاوی کنیم اهمیت می‌یابد. به خصوص که بررسی روندهای ثبت و ضبط رخدادهایی که در برهمکنش دو جهان فرهنگی و دینی اتفاق افتاده است و تحلیل روایت زندگی چهره‌های اثرگذار تاریخی نظیر صلاح‌الدین ایوبی در نقاط عطف و بزنگاه‌های تاریخی در مرزهای تنش و تفاهم بین دو قلمرو فرهنگی، برای فهم گذشته از منظر تاریخ حافظه جمعی، تاریخ خاطره و تاریخ خیال امری ضروری به نظر می‌رسد. چرا که درک ما از گذشته نه بر اساس واقعیت‌های عینی بلکه بر مبنای ادراکی که از معنای گذشته داریم شکل می‌گیرد و کنش‌های اکتونی ما را می‌سازد. در مقاله حاضر تحت تاثیر ایده‌های ریکور و لوگوف درباره تخیل تاریخی و تاریخ خیال، روایت‌های اروپایی قرون وسطی از صلاح‌الدین از منظر تاریخ خیال بررسی شد. از همین روی، در این پژوهش، بازنمایی چهره صلاح‌الدین ایوبی در سنت ادبی و تاریخ‌نگاری جهان مسیحیت به‌طور مجزا بررسی شده است. چهره صلاح‌الدین در ادبیات مسیحی - لاتینی روندی متفاوت از جهان اسلامی پیمود. او در وقایع‌نگاری‌های مسیحیان ابتدا در هیأت اهریمنی آخرالزمانی که بر ملوک اراضی مقدس چیره شده است، ظاهر می‌شود. با این حال، دیری نمی‌پاید که او به دشمنی محترم و متصف به صفات سلحشوری، جوانمردی و شوالیه‌گری در تاریخ تخیل اروپایی تبدیل می‌شود. این تحول راه را برای گسترش جایگاه صلاح‌الدین در تاریخ خیال اروپای قرون وسطای اروپا هموار می‌کند، به طوری که تنها بعد از حدود یک قرن، در تاریخ خیال اروپایی، به سلحشوری ستوده با تباراروپایی بدل می‌شود و این چنین از «دیگری» به «خودی» تبدیل می‌گردد. رنسانس اما پایان «صلاح‌الدین خودی» در ادبیات مسیحی بود. از آن پس، صلاح‌الدین دوباره به جایگاه دشمن و غیریت نقل مکان می‌کند، دشمنی که باز هم ستوده و محترم است هرچند در جهان مدرن غربی و اسلامی تغییر جایگاه می‌دهد.

## کتابنامه

- ریکور، پل (۱۳۷۴). تاریخ، خاطره، فراموشی. مجله گفتگو (۸).  
غیاثی، ندا، و مازیار، امیر (۱۴۰۱). نقش سازنده تخیل در تاریخ از منظر پل ریکور. فلسفه، (۱)۲۰، ۱۱۷-۱۳۲.
- فخری جوشانی، ایمان (۱۴۰۲). بازنمایی شخصیت صلاح‌الدین ایوبی در تاریخ‌نگاری اسلامی و مسیحی قرون میانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- لوگوف، ژاک (۱۳۹۹). تاریخ خیال؛ قهرمانان و شگفتی‌های در اروپای قرون وسطی. ترجمه آندیا عبائی و مریم عباس بیگی. تهران: روزنه.
- معلوف، امین (۱۳۹۷). جنگ‌های صلیبی به روایت اعراب. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نی.
- نادری، حفیظ الله (۱۴۰۱). صلاح‌الدین ایوبی: چگونگی شکل‌گیری یک افسانه.  
<https://nebesht.com/saladin-mythology>
- هال، استوارت (۱۳۹۳). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه احمد گل‌محمدی. تهران: نشر نی.
- هیرشلر، کنراد (۱۳۹۵). تاریخ‌نگاری عربی در دوره میانه: مولف در مقام کنشگر. ترجمه زهیر صیامیان گرجی. تهران: سمت.
- Ambroise (1897). *L'Estoire de la guerre sainte*. Ed. Gaston Paris. <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/bpt6k6517331f.r>.
- Anonymous (1876). *Récits d'un ménestrel de Reims au treizième siècle*. Renouard (Paris). *ibliothèque nationale de France*.
- Anonymous, *Historia de expeditione Friderici imperatoris*. Translated and edited by Loud, G. A. (2016). *The Crusade of Frederick Barbarossa; The History of the Expedition of the Emperor Frederick and Related Texts*. Taylor & Francis.
- Arnold of Lübeck, *Arnoldi Chronica Slavorum*. Translated and edited by Loud, G. A. (2019). *The Chronicle of Arnold of Lübeck*. United Kingdom: Taylor & Francis.
- Anonymous, *Libellus de expugnatione Terrae Sanctae per Saladinum* (*Chronicon terrae sanctae*). Translated and edited by; Kane, James H. (2019). *The Conquest of the Holy Land by Ṣalāḥ al-Dīn: A Critical Edition and Translation of the Anonymous Libellus de expugnatione Terrae Sanctae per Saladinum*. Routledge.
- Brewer, Keagan. (2024). 'And they did not trust in God': claims of atheism and polytheism in Catholic responses to Saladin's conquest of Jerusalem in 1187. *Crusades*, 23(1), 44-56.
- Dante Alighieri. Convivio. (2022, gennaio 11). Wikisource, La biblioteca libera. Retrieved 04:44, settembre 10, 2023 from [//it.wikisource.org/w/index.php?title=Convivio&oldid=2884911](https://it.wikisource.org/w/index.php?title=Convivio&oldid=2884911).

- Dante Alighieri. *Divine Comedy* (Longfellow 1867). (2021, February 26). In Wikisource. Retrieved 04:42, September 10, 2023, from [https://en.wikisource.org/w/index.php?title=Divine\\_Comedy\\_\(Longfellow\\_1867\)&oldid=10960846](https://en.wikisource.org/w/index.php?title=Divine_Comedy_(Longfellow_1867)&oldid=10960846),
- Edbury, P. W. (1998). *The Conquest of Jerusalem and the Third Crusade: Sources in Translation*. London: Ashgate.
- Edbury, P. W. Rowe and John G. (1991). *William of Tyre: Historian of the Latin East*. Cambridge University Press.
- Francesco Petrarca. Trionfi. (2020, aprile 2). Wikisource, La biblioteca libera. Retrieved 04:45, settembre 10, 2023 from [//it.wikisource.org/w/index.php?title=Trionfi&oldid=2565982](https://it.wikisource.org/w/index.php?title=Trionfi&oldid=2565982).
- Geary, P. J., Curta, F., & Spinei, C. (2012). *Writing history: identity, conflict, and memory in the Middle Ages*. Editura Academiei Române; Muzeul Brăilei, Editura Istros.
- Giovanni Boccaccio. Decameron. (2022, maggio 9). Wikisource, La biblioteca libera. Retrieved 04:42, settembre 10, 2023 from [//it.wikisource.org/w/index.php?title=Decameron&oldid=2982838](https://it.wikisource.org/w/index.php?title=Decameron&oldid=2982838).
- House, Roy Temple (1918). *L'Ordene de chevalerie; an Old French Poem: Text, with Introduction and Notes* (PhD dissertation). University of Chicago.
- Jacques de Vitry (2008). *Historia Orientalis*. ed. Jean Donnadieu. Turnhout: Brepols.
- Jubb, Margaret (1990). *Estoires d'Outremer*. London: University of London.
- Jubb, Margaret (2000). *The Legend of Saladin in Western Literature and Historiography*. United States: Edwin Mellen Press.
- Le Goff, J. (1992). *The Medieval Imagination*. United Kingdom: University of Chicago Press.
- Le Goff, J. (1996). *History and Memory*. United States: Columbia University Press.
- Megan Cassidy-Welch & Anne E. Lester (2014). "Memory and interpretation: new approaches to the study of the crusades", *Journal of Medieval History*, 40:3, 225-236, DOI: 10.1080/03044181.2014.916892.
- Megan Cassidy-Welch (2017). "Before trauma: the crusades, medieval memory and violence", *Continuum*, 31:5, 619-627,
- Morgan, M. R. (1981). *La Continuation de Guillaume de Tyr, 1184-1197*. France: Librairie orientale-iste P. Geuthner.
- Phillips, J. P. (2019). *The Life and Legend of the Sultan Saladin*. United Kingdom: Yale University Press.
- Phillips, J. P. (2024). *The changing reputation of Saladin in the Latin West, c. 1170 to c. 1220*. *Crusades*, 23(1), 83–108.
- Richard de Templo (1864). *Itinerarium Peregrinorum et Gesta Regis Ricardi*. Ed. William Stubbs. United Kingdom: Longman.
- Richard de Templo, *Itinerarium Peregrinorum Et Gesta Regis Ricardi*. Translated and edited by Nicholson H. J., Stubbs, W. (1997). *Chronicle of the Third*

- Crusade: A Translation of the Itinerarium Peregrinorum Et Gesta Regis Ricardi*. United Kingdom: Ashgate.
- Rigord, Gesta Philippi Augusti. Translated and edited by Field, Larry F. (2022) *The Deeds of Philip Augustus: An English Translation of Rigord's "Gesta Philippi Augusti"*. Ithaca: Cornell University Press.
- Rubenstein, J. (2019). *Nebuchadnezzar's Dream: The Crusades, Apocalyptic Prophecy, and the End of History*. United States: Oxford University Press.
- Smith, T. W. (2018). Audita Tremendi and the Call for the Third Crusade Reconsidered, 1187–1188. *Viator*, 49(3), 63–101.
- Tolan, J. V. (1996). *Mirror of chivalry: Salah al-Din in the medieval European imagination*. American University in Cairo Press. 7-38.
- Villehardouin, G. de., Joinville, J. (2008). *Chronicles of the Crusades*. Penguin Books Limited.
- William of Tyre (1943). *A History of Deeds Done Beyond the Sea Vol II*. trans. Emily A. Bab-cock and A.C. Krey. New York: Columbia University Press.